



«الهی هب لی قلباً عقولاً؛ شاهی بر اتحاد عقل و عشق در عرفان شیعی»

استاد دانشگاه اهل بیت(ع) با بیان این که در عرفان شیعی بین عقل و عشق هیچ تزامنی وجود ندارد، اظهار کرد: اتحاد عقل و عشق در عرفان شیعی به زیبایی در کلام «الهی هب لی قلباً عقولاً» از امیرالمؤمنین(ع) جلوه گر شده است.

استاد دانشگاه اهل بیت(ع) با بیان این که در عرفان شیعی بین عقل و عشق هیچ تزامنی وجود ندارد، اظهار کرد: اتحاد عقل و عشق در عرفان شیعی به زیبایی در کلام «الهی هب لی قلباً عقولاً» از امیرالمؤمنین(ع) جلوه گر شده است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، اسماعیل منصوری لاریجانی، استاد دانشگاه اهل بیت(ع) در هشتمین برنامه از سلسله نشست های «171# سومین جشنواره ملی مطالعات قرآنی دانشجویان کشور» با عنوان «171#؛ شاخص های عرفان ناب شیعی» به تبیین شاخص ها و معیارهای عرفان ناب شیعی از جمله جایگاه ثقلین(قرآن و اهل بیت(ع) در عرفان و تفکر شیعی پرداخت.

پیشگامان عرفان شیعی

وی در پاسخ به این سؤال که آغازگران و پیشتازان عرفان شیعی چه کسانی بوده اند، اظهار کرد: از وجه نظام معرفتی، به نظر بنده اولین عارف شیعی خود پیامبر(ص) و سپس مولا امیرالمؤمنین(ع) است. همچنان که امیرالمؤمنین فرمود: «171#؛ اعرافوا الله بالله والرسول بالرسالة»؛ و یا این که بحث بطون قرآن را نخستین بار خود پیامبر(ص) مطرح کرده است و از همین روی به لحاظ نظام معرفتی، باید گفت که عرفان شیعی با ظهور قرآن آغاز شده است.

نویسنده تفسیر علیا(تفسیر کلمات قرآنی با رهیافت عرفانی) با بیان این که به لحاظ نمود اجتماعی، صاحبان پیامبر(ع) و مولا امیرالمؤمنین(ع) نخستین حلقه های عرفان شیعی را تشکیل داده اند، افزود: اگر عرفای نخستین شیعه یعنی شخصیت هایی چون اباذر، سلمان، عمار یاسر، میثم تمار و... نبودند، ما قادر به شنایابی مرز اسلام ناب با اسلام اموی نبودیم.

تفکیک ناپذیری سیاست و عرفان شیعی

وی با بیان این که اینان پرچمدار مبارزه سیاسی با بدعت هایی بود که بنی امیه گذاشته بودند، ادامه داد: خط مقدم مبارزه با انحرافی که از سقیفه به وجود آمد، همین بزرگان از عرفای شیعه بودند. بنده در در یکی از آثار خود با عنوان «171#؛ عرفان سیاسی» مطرح کرده ام که اساساً سیاست شیعه از عرفان آن جدا نیست و عرفان شیعه در متن جامعه است، در مقابل مردم احساس تکلیف و مسئولیت می کند و با گوشه گیری و انزوا سازگاری ندارد.

استاد دانشگاه اهل بیت(ع) در تشریح این مطلب گفت: همچنان که مولا در صفات متقین در نهج البلاغه می فرماید: «171#؛ نفسه فی عناء و الناس منه فی راحة؛ خود را به رنج و زحمت می اندازند تا مردم در راحتی باشند»؛ دلا مانند مردان وفاکیش/جهان را نوش باش و خویش را نیش؛ و معنای عرفان شیعه و عرفان اهل بیت(ع) همین است.

از لحاظ معرفتی، اسلام از زمان ظهور با شیعه مترادف بوده و خواهد بود و افرادی چون ابوطالب مکی، حارث محاسبی، محیی الدین ابن عربی، صدرالدین قونوی، عبدالرحمن جامی و... به لحاظ یکی بودن آبشخور معرفتی(و نه به لحاظ فقهی) همگی شیعه اند منصور لاریجانی در پاسخ به این سؤال که مانیفست عرفان شیعی یا عمده ترین شاهکارهای عرفان شیعی چه آثاری هستند، اظهار کرد: اگر مانیفست را به معنای منشور راهبردی عرفان شیعه بگیریم، مانیفست عرفان شیعه همان سیره نبوی و علوی است؛ بنده سیره علوی را عرفان عملی و حکمت علوی را عرفان نظری می دانم و به زودی اثری با عنوان «171#؛ سیر حکمت علوی در آثار حکمای ما» در تشریح این موضوع، از بنده منتشر خواهد شد.

وی با اشاره به این که هر فیلسوف و حکیمی که به معرفت رسیده، آن را از ولایت علوی گرفته است، افزود: بنده حتی کسانی چون فیثاغورث و ارسطو را شاگرد امیرالمؤمنین(ع) می دانم؛ اگرچه اینان به لحاظ عنصری قبل تر از امیرالمؤمنین(ع) بوده اند، اما به لحاظ وجودی امیرالمؤمنین(ع) بر آنان تفوق دارد: «171#؛ کنت ولیاً والادم بین الماء و الطین؛ آدم هنوز در آب و گل بود که امیرالمؤمنین(ع) ولی بود»؛ بودم آن روز من از طایفه دردکشان/ که نه از تان نشان بود و نه از تاکنشان.

نویسنده کتاب [171#&عرفان اسلامی](#); درباره جایگاه عقل در معرفت الهی گفت: عقل آثار را می‌شناسد و مظاهر را که در حوزه ادراکات هستند، به خوبی تشخیص می‌دهد و اساساً ادراکات به معنای قلمرو شناخت عقل هستند، اما ورای ادراکات حوزه شهود است و عقل را یارای رسیدن بدانجا نیست. عقل موجودی شریف، سلطان عالم آفرینش، بزرگ‌ترین آیت الهی و بهترین معجزه خداوند است؛ با این حال: ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی/ ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست.

استاد دانشگاه اهل بیت(ع) ادامه داد: شناخت حقیقت خداوند نیازمند شهود است و ما معتقدیم که اگر همین عقل ما درست تربیت شود، شهودی می‌شود و در عرفان شیعی بین عقل و عشق هیچ تزاخمی وجود ندارد؛ همچنان که مولا علی(ع) فرمود: [171#&الهی هب لی قلباً عقولاً](#)؛ خداوند! به من قلبی عاقل عطا بفرما [171#&](#)؛ و این تعبیر به زیبایی نشانگر اتحاد عقل و عشق در عرفان شیعی است.

وی در بخشی دیگری از سخنان خود عنوان کرد: عرفان در جامعه ما با موانع بسیاری روبرو است، کما این که فلسفه نیز چنین است. این غربت نه به عرفان، بلکه به معارف اهل بیت(ع) برمی‌گردد. ما معارف اهل بیت(ع) را در زندگی خود نهادینه نکرده‌ایم. جوانی که می‌خواهد به حقیقت مکتب بنده پی ببرد، اول خود مرا مطالعه می‌کند تا ببیند که چقدر به گفته‌های خودم پای‌بند هستم و رفتار و کردار و مشرب علمی و اخلاقی من تا چقدر با سیره اهل بیت(ع) تطابق دارد.

نویسنده تفسیر علیا(تفسیر کلمات قرآنی با رهیافت عرفانی) خاطرنشان کرد: متأسفانه این تطابق وجود ندارد و این امر باعث می‌شود تا معارف اهل بیت(ع) در غربت بماند و این امر شامل خود قرآن نیز می‌شود. همچنان‌که فردای قیامت اولین شکایتی که پیامبر(ص) می‌کند این است که [171#&وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا](#)؛ و پیامبر [خدا] گفت پروردگارا قوم من این قرآن را رها کردند [171#&](#)؛(فرقان/30).

وی در بخشی از سخنان خود اظهار کرد: گرفتاری‌های انسان در عصر حاضر بسیار زیاد است و تکنولوژی جدید گرچه رهاوردهایی برای بشر داشته است، اما برخی از باورهای درونی ما را از ما می‌گیرد و ناخودآگاه غارت می‌شویم؛ به تعبیری خانه درون ما را مرتب غارت می‌کنند و ما توجهی نداریم. استرس‌ها و فشارهای ناشی از زندگی جدید ذهن جوان را درگیر می‌کند و او برای تخلیه بار ذهن خود، به سراغ مدیتیشن و تمرکز و برخی روش‌های موقتی دیگر رفته و آنها را طبیب خود می‌داند!

سیمای سحرخیزان

منصوری لاریجانی در بیان یکی از ویژگی‌های عرفان ناب شیعی به بیان فلسفه [171#&سحر](#)؛ پرداخت و تصریح کرد: فلسفه [171#&سحر](#)؛ آن است که نه تنها از ذهن خود، بلکه از خود بیرون بیاییم. بنده در کتاب [171#&سیمای سحرخیزان](#)؛ به تبیین ارزش سحر در مکتب شیعه و اهل بیت(ع) پرداخته و توضیح داده‌ام که هرکه به جایی رسیده، در سحر پرواز کرده است و ما نیز باید بکوشیم تا این فضا را تجربه کنیم.

عرفان شیعی با ظهور امام(ره) وارد مرحله جدیدی شد و ما هنوز عظمت اندیشه عرفانی امام(ره) را نشناخته‌ایم. امام(ره) عرفان شیعی را از حالت کتابت بیرون آورد و آن را به همه اضلاع جامعه اسلامی و حتی عالم آفرینش تسری داد. وی در تشریح این مطلب گفت: ابن‌سینا گفته است که مشکلات علم الهی را در سحر حل کرده و ملاصدرا مدعی شده که همه تراوشات ذهنی او را خداوند در سحر به وی عطا کرده است. سهروردی در آخرین شب عمر 38 ساله خود، در حالتی بی‌رمق به زندانبان گفته است که وی را رو به قبله بنشانند تا ترک عادت 38 ساله او نشود! هر شب صبح شد و رفت، اما سهروردی را در خواب ندید.

سنخ اختلاف عرفان شیعه با عرفان اهل سنت

این محقق و پژوهشگر در پاسخ به این سؤال که سنخ اختلاف عرفان شیعه با عرفان اهل سنت(به ویژه آرای کسانی چون ابن‌عربی و قونوی) چیست؟ گفت: ما معتقدیم که شیعه هم به لحاظ ایدئولوژیک و هم به لحاظ معرفتی و هم به لحاظ فقهی به هیچ وجه با آموزه‌های قرآن و اهل بیت(ع) جدایی ندارد. در بستر زمان و در عصر امام صادق(ع) برخی فرقه‌های مذهبی(فرق مشهور اهل سنت) ظهور کرده و مسیر خود را از این راه جدا کردند.

نویسنده تفسیر علیا(تفسیر کلمات قرآنی با رهیافت عرفانی) اظهار کرد: قامت این فرقه‌ها در قامت شیعه نیست و مبدأ تفکر شیعه، حتی فقه شیعه، با ظهور اسلام بوده است؛ در حالی که منشأ آن فرقه‌ها به روزگار بعد از امام صادق(ع) برمی‌گردد؛ وانگهی محتوای فقهی این فرقه‌ها اصلاً قابل قیاس با فقه شیعه نیست؛ بنابراین تعبیر اهل سنت بیشتر ناظر به فرق فقهی است.

وی ادامه داد: از لحاظ معرفتی، اسلام از زمان ظهور با شیعه مرادف بوده و خواهد بود و افرادی چون ابوطالب مکی، حارث محاسبی، محیی‌الدین ابن‌عربی، صدرالدین قونوی، عبدالرحمن جامی و... گرچه به لحاظ کلامی حنبلی یا حنفی بوده‌اند، اما به لحاظ یکی بودن آبشخور معرفتی، اینان در واقع به لحاظ معرفتی و تفکر(و نه به لحاظ فقهی) همگی شیعه‌اند.

نویسنده کتاب عرفان اسلامی خاطرنشان کرد: امام راحل(ره) همواره تأکید می‌کردند که مراد از وحدت شیعه و سنی آن است که اگر ما در مبانی و اصول بحث کنیم، درخواستیم یافت که به لحاظ مبنایی يك مبنا بیشتر نداریم و معارف شیعه با آن منطبق است.

ما معتقدیم که اگر همین عقل ما درست تربیت شود، شهودی می‌شود و در عرفان شیعی بین عقل و عشق هیچ تزاخمی وجود ندارد؛ همچنان که مولا علی(ع) فرمود: 171#&؛ الهی هب لی قلباً عقولاً؛ خداوندا به من قلبی عاقل عطا بفرما؛& منطوقی در تبیین جایگاه امام خمینی(ره) در عرفان شیعی اظهار کرد: عرفان شیعی با ظهور امام(ره) وارد مرحله جدیدی شد و ما هنوز عظمت اندیشه عرفانی امام(ره) را نشناخته‌ایم. امام(ره) عرفان شیعی را از حالت کتابت بیرون آورد و آن را به همه اضلاع جامعه اسلامی و حتی عالم آفرینش تسری داد. امام(ره) درباره هر موضوعی - اعم از سیاست، جنگ و... - صحبت می‌کند، انتزاع ایشان از همه این کثرات، عرفان است.

عرفا و وحدت شهود

وی در باب اختلاف همیشگی عرفا با طوائف دیگر درباره مبحث وحدت وجود عنوان کرد: انسان عارف در اثر سیر و سلوك به حقیقت وحدانیت خداوند می‌رسد و خدا را به یکانگی شهود می‌کند و آن را وحدت شهودی می‌نامد و چون برخی از متکلمین و فلاسفه، خود هنوز در عالم کثرت هستند و این وحدت شهودی را درنیافته‌اند، نمی‌توانند آن را هضم کنند و از همین روی با عرفا مخالفت می‌کنند.

استاد دانشگاه اهل بیت(ع) خاطرنشان کرد: وحدت وجود بدان معنا نیست که در عالم بیرون همه چیز یکی باشند؛ بلکه در عالم بیرون حجر، شجر، انسان، آسمان، زمین،... همه کثرات هستند و هویت خاص خود را دارند؛ اما در نگاه شهودی عارف، حقیقت وجودی آنان یکی بیش نیست و آن خداوند است: 171#&؛ لیس فی الدار غیره دیار؛& بنابراین وحدت، وحدت شهودی است و عده‌ای آن را نفهمیده و گمان برده‌اند که عرفا عالم کثرت را موهوم می‌دانند؛ در حالی که در عالم کثرت همه هویت و شخصیت و تعریف دارند.